

ارزیابی پدیدارشناختی وضعیت مسکن موقت از دید زنان روستای زلزله زده چوبانلار سردارلو - هریس

رحمت محمدزاده*، شهین فرخی**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۱۷

چکیده

مسکن موقت بخش حیاتی اما بحث برانگیزی در مناطق زلزله زده است. خانواده های متاثر از بلایای طبیعی غالباً نیاز به مکانی امن برای راه اندازی مجدد فعالیت های روزانه خود دارند. اگر بعد از زلزله، مسکن موقت ارائه نشود آسیب دیدگان با مسایل فردی و اجتماعی زیادی مواجه می گردند. هدف از این تحقیق ارزیابی وضعیت مسکن موقت بعد از زلزله از نگاه زنان روستای زلزله زده چوبانلار سردارلو - هریس می باشد. این بررسی از آن جهت حائز اهمیت است که زنان روستایی با وجود مسئولیت حفظ و نگهداری خانه و کاشانه خویش، با محدودیت های زیادی چون فقدان درآمد، فقر، محرومیت و توان جسمی کم مواجه هستند. این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد «پدیدارشناسی تاویلی» انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که اغلب زنان مصاحبه شونده در اسکان موقت با مشکلاتی چون امنیت جانی، امکانات بهداشتی، نبود فضاهای مکمل و امکانات آبرسانی در مقیاس خارج از چادرها و همچنین نبود محرمت، تهویه، فزونی افراد در چادرها، آشپزی و مشکلات ناشی از آن و گرمایش در مقیاس داخل چادرها مواجه بودند. بنابراین با تدابیری چون دیوار چینی و حصارکشی گرداگرد محوطه چادرها و قراردادن حمام ها در مکان هایی خارج از دید عموم، جدا کردن حمام های زنانه و مردانه از یکدیگر، احداث مسجد به صورت موقت تا زمان ساخت نهایی آن، آرایش فضایی چادرها مبتنی بر عوامل خویشاوندی، تقسیم بندی داخل چادر به فضای زندگی و قسمت انباری، تعبیه هواکش در بدنه کانکس ها و ایجاد پنجره بر بدنه چادرها می توان از شدت مشکلات کاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: مسکن موقت، پدیدارشناسی، روستای چوبانلار، زنان روستایی.

* دانشیار و مدیر گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، ایران. Rahmat@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

مقدمه

کشور ایران به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند جهانی زلزله هیمالیا - آلپ یکی از پنج کشور لرزه خیز دنیا به شمار می رود (ناطق الهی، ۱۳۷۱). حدود ۱۷/۶٪ زلزله های مخرب جهان در ایران رخ می دهند. گرچه در مناطق واقع بین رشته کوه های البرز و زاگرس، تناوب وقوع زلزله کمتر است، لیکن وقوع زلزله های بزرگ و مخرب را در هیچ جای آن نمی توان دور از انتظار دانست (معماری و خندانی، ۱۳۷۲: ۱۳).

آمار زلزله های مخرب کشور نشان دهنده آن است که ساختمان های روستایی، آسیب پذیرترین ساختمان ها می باشند که نه تنها زلزله های شدید بلکه زلزله های ضعیف هم بر آن ها تأثیر تخریبی فراوانی دارند (گلابچی و طیبات ۱۳۸۶: ۳۲). پس از وقوع یک حادثه طبیعی در ابعاد گسترده و با عمق زیاد، مناطق مسکونی موجود به نوعی غیرقابل استفاده شده و افراد باز مانده ناگزیر به سکونت در مکانی غیر از خانه های خود می شوند (خداداده و ضیایی، ۱۳۸۷: ۵۸). زنان روستایی اغلب به دلیل محدودیت های فردی و اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن بیشتر از این مسئله رنج می برند. آن ها هم قبل و هم بعد از زلزله دسترسی کمتری به اطلاعات دارند و در زمینه برخورداری از مواد غذایی، امکانات پزشکی و غیره در اولویت پایین تری هستند. این در حالی است که بیشتر کارکردهای مسکن روستایی به عهده زنان می باشد. ایشان علاوه بر مسئولیت های زناشویی، وظایفی چون نظافت، پخت و پز، دوخت و دوز، نگهداری دام، تهیه انواع لبنیات، ترشیجات و مرباجات را بر دوش دارند. با بروز اتفاقاتی غیر مترقبه، سیستم فعالیتی مسکن روستایی به هم می ریزد. در شرایطی که تحمل این شرایط برای مردان در اثر ماهیت کار بیرونی و ارتباط مداوم با دیگران و محیط اطراف نسبتاً ساده است، برای زنان، اغلب چنین

نیست، نه امکان انجام امور قبلی را دارند و نه توان بهسازی مسکن. بنابراین بدون تعریف سیستم کاری جدید، مسئله ای که آن ها را اغلب درگیر خود می کند، انباشت درد و احساس ناتوانی است.

در تابستان سال ۱۳۹۱ زلزله ای نه چندان مهیب (۶/۲ ریشتر)، بخش زیادی از روستاهای منطقه ورزقان، اهر و هریس را تخریب نمود. علاوه بر تلفات جسمی، روحی و مالی، تعداد زیادی از مسکن روستایی نابود شد. سوال اساسی که مطرح شده این است که زنان روستایی نسبت به مقوله اسکان موقت بعد از زلزله چه تجربه ای دارند؟ این مطالعه از آن جهت حائز اهمیت است که منطقه محروم بوده و زنان و کودکان بیش از سایر گروه های جنسی در معرض انواع محدودیت ها هستند. علاوه بر سرد و کوهستانی بودن منطقه، نقش زنان در نظام اجتماعی و کارکردی روستا در کنار مردان حائز اهمیت خاص می باشد. از آنجا که درخصوص اسکان موقت از دید زنان روستایی، تاکنون مطالعات ارزشمندی صورت نگرفته، این مطالعه می تواند گامی گرچه کوچک و لیکن ارزشمند در نظام برنامه ریزی و طراحی قلمداد گردد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری مشتمل بر بحث های مربوط به زنان روستایی، اسکان موقت و پیشنهاد تحقیق به شرح زیر می باشد:

زنان روستایی با نیروی کار خود علاوه بر ایجاد منابع مالی، با تأمین منابع غیر مالی نیز به اقتصاد خانواده کمک می کنند. آن ها در تولید کالاهای دارای مصارف خانگی نظیر سبزی، فرآورده های لبنی و پوشاک نقش اساسی دارند و معادل ۴۵ درصد از درآمد واقعی خانوار را تأمین می کنند (شادی طلب، ۱۳۷۹). نقش چند جانبه زنان روستایی در فعالیت ها و مسئولیت های خانوادگی و کشاورزی بدین معنا است که روز کاری آن ها معمولاً

اسکان اضطراری و بازسازی دائمی است. به اعتقاد آنان اسکان موقت زنجیره اتصال مراحل ابتدایی مدیریت سانحه و بازسازی دائمی به حساب می‌آید و ماهیت آن را مرحله مجزا در نظر نمی‌گیرند. از طرف دیگر برخی معتقدند اسکان موقت مرحله‌ای مجزا است که می‌بایست به صورت جداگانه در نظر گرفته شود که نقش حیاتی را پس از وقوع حادثه ایفا می‌کند و باید به عنوان یک سیستم به خودی خود و هم به عنوان بخشی از سیستم بزرگ‌تر بهبود مقابله با سوانح در نظر گرفت (Johnson, 2007). در اغلب بازسازی‌های پس از سانحه معمولاً سه واژه ذیل در ادبیات بلایا به کار گرفته شده است:

الف) اقامتگاه انتقالی (Transitional Accommodation): در برگیرنده فرایند سکونت از هنگام اضطرار تا دوران تثبیت است و عامل زمان را به عنوان شاخص اصلی در اولویت قرار می‌دهد.

ب) سکونتگاه واسطه‌ای (Intermediate Settlement): این واژه کم و بیش در خود، معنای واژه بند الف را داراست و می‌توان نتیجه گرفت که "فرایند زمان" و "شکل کالبدی" سکونتگاه موقت را توأمأ در بر می‌گیرد.

ج) اسکان موقت (Temporary Shelter): در مقام مقایسه با دو واژه دیگر، بیشتر ساختاری و کالبدی است و طیف وسیعی از اشکال سازه‌ای و فرم‌های استقرار موقت، از چادر اضطراری تا خانه پیش ساخته شده را در بر می‌گیرد.

مفهوم واژه اسکان موقت ترکیبی از سه مورد بالاست که هم جنبه‌های کالبدی و هم غیرکالبدی سرپناه و سکونتگاه پس از سانحه را در بر می‌گیرد. بنابراین سکونتگاه موقت را می‌توان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، اعم از جمع‌آوری و شناسایی افراد مصیبت‌زده و بی‌خانمان، نقل و انتقال افراد به سرپناه و ایجاد شرایط زندگی امن و بهداشتی تا زمان بازگشت آنان به موطن اصلی و یا زیست گاه اولیه‌شان

طولانی است؛ به طوری که کار روزانه زنان روستایی کشورهای در حال توسعه به طور معمول بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت و در کشور ما، متوسط ساعات کار روزانه زنان روستایی در فصل‌های زراعی، ۱۴/۳۷ ساعت برآورده شده است که از این مقدار ۹/۳۶ ساعت به فعالیت‌های تولیدی (زراعی، فرآوردی و تبدیلی) و بقیه به فعالیت‌های بازتولیدی در خانه اختصاص دارد (لباف خانیکی، ۱۳۸۰).

بحثی نیست که زنان روستایی به خاطر مسائل خاص خود نگرانی‌های عمده‌ای را در مساکن موقت بعد از زلزله تجربه می‌کنند؛ چرا که آنان در تأمین معاش زندگی خود سهم عمده‌ای برعهده دارند که این وضع در زمان بعد از زلزله و در زمان اسکان موقت دگرگون می‌شود و مسائل خاص ناشی از سرپناه موقت بار بیشتری بر دوش آنان می‌گذارد. زنان روستایی معمولاً جز در مواردی که پای عوارض جسمی در میان باشد، تمایلی به آشکار کردن مشکلات خود ندارند، با حادثه غیر مترقبه‌ای چون زلزله، نظام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی واحدهای مسکونی به هم می‌ریزد. در این میان نیز، زنان در اثر محدودیت‌های زیاد ناشی از فضا و جامعه و از دست دادن مسکن خویش، بیشتر از دیگران در معرض آسیب قرار می‌گیرند. بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی و اصولی برای این قشر از مؤلفه‌های مهم اجتماعی محسوب می‌گردد. به خصوص این که در نظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان خدمت‌رسان و یا حتی مصرف کننده، در تعادل و توازن توسعه نقشی اساسی دارد. از این رو، تأمین اسکان در بازسازی‌ها اهمیت کلیدی می‌یابد و بایستی در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به تأمین آن اقدام گردد.

با این حال باید پذیرفت که اسکان موقت یک مقوله ثابت یا یکسان نیست و با اختلاف نظرهایی توأم است. برخی بر این عقیده‌اند که اسکان موقت حد واسط بین

دانست. مدت زمان اسکان موقت بر حسب شرایط، نوع بحران و امکانات از ۶ ماه تا ۲ سال تخمین زده می‌شود و برخی پژوهشگران و مؤسسات امدادی آن را به‌عنوان هسته اولیه اسکان دائم نیز قلمداد می‌نمایند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰).

پیش از ۵ دهه از عمر مطالعات سرپناه پس از سانحه نمی‌گذرد. در سال ۱۹۷۷ مطالعه‌ای با عنوان "تأمین سرپناه اضطراری: دور نماها و موارد" توسط تعدادی از نظریه‌پردازان بلایا در مقیاس محدود منتشر یافت. هاس (۱۹۷۷) کتابی با عنوان بازسازی پس از فاجعه منتشر کرد. اقدامات این پژوهشگر را فریزما (۱۹۷۹) در نوشته‌ای با عنوان "پس از رویداد: وضعیت مناطق پس از بلایای طبیعی" و رایت با مقاله "پس از پاکسازی ضایعات" اثرات بلند مدت بلایای طبیعی "در سال ۱۹۷۹ دنبال کردند. یان دیویس (۱۹۷۸) کتاب سرپناه پس از سانحه را منتشر کرد. چهار سال بعد اداره هماهنگی امداد و سوانح سازمان ملل متحد کتابی با همین عنوان چاپ کرد. در این راستا، دو کنفرانس در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۲ با عنوان "سوانح و ساختمان‌های کوچک مسکونی" در آکسفورد انگلستان برگزار شد. کتاب "در خطر" در سال ۱۹۹۴ به ارائه مبانی نظری و الگوهای مختلف سرپناه می‌پردازد. در سال ۱۹۹۸ کتاب "سانحه به خانه صدمه می‌زند" منتشر شد. یک سال بعد مرجع دیگری بنام "سوانح با طراحی" به جمع‌بندی مباحث نظری سرپناه و نقش آن در روند توسعه پایدار جوامع می‌پردازد. در پژوهش منتشر شده توسط اوچا (۲۰۰۶)، به نام "رویکرد نوین به سکونتگاه انتقالی" به جای پرداختن به اسکان موقت به‌عنوان یک "تک فضا"، به مصادیقی مانند: امنیت و حفاظت (به‌ویژه برای زنان، کودکان و سایر اقشار آسیب‌پذیر) و مکان‌یابی مناسب برای سکونتگاه پرداخته شده است (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۶).

باید دانست که برنامه‌ریزی نامطلوب در احداث سکونتگاه‌های موقت اثرات منفی بسیاری به‌دنبال دارد که بدترین نمونه آن در آفریقای غربی بود که منجر به فاجعه‌ای بزرگ در کشور و حتی در منطقه گردید. در مقابل، طراحی مناسب سرپناه موقت نه تنها اثرات مثبتی در جامعه آسیب‌دیده دارد، بلکه موجبات تقویت ساختارهای حفاظتی کالبدی و بهبود وضعیت معیشتی مردم می‌گردد (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۶). اغلب کشورهای توسعه‌یافته در خصوص اسکان موقت دارای تجارب و دستاوردهای خاص خود بوده که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

کشور ایتالیا با توجه به میزان خرابی و خسارت وارده، تصمیم گرفت آسیب‌دیدگان را در کانکس‌ها و خانه‌های پرفابریکه و پیش‌ساخته اسکان موقت دهد. در آن زمان نظر بر این بود که ساخت تعداد زیادی واحد مسکونی برای سکونت این تعداد بی‌خانمان فرایندی زمان‌بر است و این دوره (دوره اسکان موقت) باید در خانه‌های پیش‌ساخته سپری شود. در برخی از این زلزله‌ها به‌دلیل وارداتی بودن مسکن موقت برخی از نیازهای مردم در این کانکس‌ها برطرف نمی‌شده و به‌دلیل طولانی شدن بیش از حد فرایند بازسازی گاه مردم تصور می‌کنند که این خانه‌ها، خانه‌های دائمی شان است و بنابراین دست به تغییرات زیادی در نما و قسمت‌های داخلی آن می‌زنند. در اکثر موارد نیازهای آنان برآورده می‌شود و لیکن گاهی اوقات این تغییرات غیر اصولی است و باعث بدتر شدن شرایط موجود می‌شود. آنچه مسلم می‌نماید ساخت چنین اردوگاه‌ها و خانه‌های از پیش‌ساخته‌ای با کیفیت مناسب و سطح رفاهی نسبی بالاتر، بسیار گران‌تر از چادر و امثال آن است و گاه نمی‌توان برای اسکان اضطراری و موقت کوتاه مدت از آن‌ها استفاده کرد. این خود یکی از مشکلات اسکان در

اماکنی را که دولت تعیین کرده بود پذیرفتند. به اعتقاد آنان وجود حصار و سیم خاردار در اطراف اردوگاه‌ها، عدم آزادی، محرمیت و اعتماد دو طرفه را القا می‌نمود (فلاحی، ۱۳۸۶: ۳۴).

در خصوص اسکان موقت بعد از زلزله در ایران و مشکلات ناشی از آن می‌توان گفت چادرهای متعددی به‌عنوان سرپناه و اسکان موقت، طراحی و ساخته شده و در اختیار حادثه دیدگان قرار می‌گیرند. اما در اکثر موارد این چادرها با فرهنگ کاربران مطابقت نداشته و هم چنین مقاومت لازم را در برابر شرایط متغیر جوی ندارد. در واقع این افراد با مشکلات فراوان ناگزیر به تحمل دوران سکونت در چادر هستند. مهم‌ترین مشکلات این چادرها عبارتند از: سخت و طولانی بودن مراحل نصب چادرها، عدم ثبات در برابر وزش باد به‌دلیل اتکا به ابزار کششی (طناب و میخ)، خطرآفرین بودن طناب‌های چادرها برای تردد افراد در اطراف چادر به‌خصوص در تاریکی شب، نامناسب بودن ارتفاع چادرها به‌طوری‌که ایستادن تنها در قسمت وسط چادر امکان‌پذیر بوده و آلودگی زیستی و بهداشتی آن‌ها (خداداد و ضیائی، ۱۳۸۷، ۵۷).

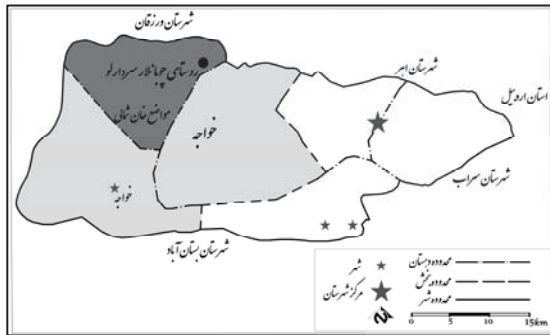
تجربیات حاصل از فرایند سامان‌دهی و تأمین اسکان موقت پس از زلزله منجیل و رودبار (۱۳۶۹) نشان می‌دهد با توجه به سیاست‌های گوناگون اتخاذ شده توسط ستادهای معین و عدم وحدت رویه و همچنین بهره‌گیری از روش‌های مختلف که منجر به نارضایتی مردم می‌گردید، آسیب‌دیدگانی که در احداث اسکان موقت خود مشارکت بیشتری داشتند (اگرچه بعضاً از کمک‌های کمتری بهره برده بودند) به مراتب رضایت بیشتری داشتند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۷۶). در زلزله بم (۱۳۸۲) با وجود اختصاص تعداد زیادی چادر اضطراری در اراضی اطراف شهر، مردم، مسکن اضطراری و موقت خود را در مجاورت خانه‌های تخریب شده خود برپا

خانه‌های پیش ساخته است؛ زیرا مردم انگیزه خود را جهت انتقال به اسکان دائم که هدف اصلی است از دست می‌دهند (اهری، ۱۳۶۹).

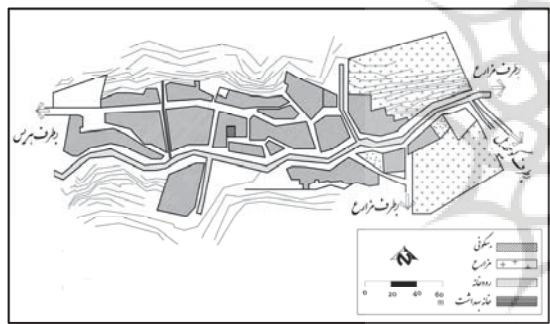
در زلزله ژاپن، دولت به‌دلیل حجم بسیار وسیع خرابی‌ها، ناچار شد آسیب‌دیدگان را در وهله اول در اماکن عمومی چون مدارس، سوله‌های ورزشی و پناهگاه‌ها اسکان دهد. اما با گذشت زمان و همچنین کاهش تعداد افراد مستقر در این اماکن، آسیب‌دیدگانی را که اماکنشان خراب شده یا سوخته بود در منازل مسکونی موقت اسکان دادند تا شرایط مناسب‌تر به‌ویژه برای سالمندان فراهم شود. به این ترتیب دولت ژاپن زمان کافی برای برنامه‌ریزی و بازسازی داشت. آسیب‌دیدگان تا زمان اسکان دائم در این منازل موقت به زندگی خود ادامه دادند. به‌همین دلیل مدیریت بازسازی با ایجاد سرپناه‌های موقتی چون کانکس در فضاهای باز موجود در شهر مانند پارک‌ها، فضایی ایجاد کردند تا آسیب‌دیدگان راحت‌تر از زمان اسکان اضطراری بتوانند به زندگی ادامه دهند. در مواردی اسکان موقت ایجاد شده در ژاپن از طراحی مناسبی جهت استفاده افراد کم توان برخوردار نبود. برای نمونه به‌دلیل ارتفاع زیاد دوش‌ها و سرویس‌های بهداشتی افراد کم توان قادر به استفاده از آن‌ها نبودند. از طرفی رمپ‌های ویژه سالمندان و معلولان به‌دلیل فنی قابل استفاده نبود و واحدهای مسکونی موقت بدون توجه به تعداد اعضای خانوار تحویل داده شده و مشکل فضای اسکان موقت در خانوارهای پرجمعیت مشهود بود (خداوندلو و طاهری، ۱۳۸۴).

مولر، از کارشناسان سانحه، اعلام می‌دارد که پس از زلزله سیکاراگا پیش از ۹۰٪ از بی‌خانمانان در خانه‌های اقوام و دوستانشان ساکن شدند (فلاحی، ۱۳۸۰: ۳۶). در ارتباط با اسکان آسیب‌دیدگان پس از زلزله در یوگسلاوی پیشین، فقط اقلیتی اندک از مردم اقامت در

سستی خود انجام می‌شود. مرغوب‌ترین و معروف‌ترین فرش استان در این منطقه بافته می‌شود. بافت مسکونی روستا با توجه به آب و هوای سرد آن به صورت فشرده بوده و شیب روستا از سمت شمال و جنوب به سمت بیرون در حال افزایش است (تصویر ۲).



ت ۱. موقعیت روستای چوبانلار سردارلو در شهرستان هریس.



ت ۲. نقشه روستای چوبانلار سردارلو.

به گزارش شبکه‌های لرزه‌نگاری وابسته به مرکز لرزه‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، دو زمین لرزه پی در پی در ساعات ۱۶ و ۱۷ روز ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۱ با بزرگی ۶/۲ و ۶/۰ (در مقیاس امواج درونی) به ترتیب در ۲۰ کیلومتری غرب اهر و ۲۸ کیلومتری شمال غربی اهر به عمق حدود ۱۰ کیلومتری زمین وقوع پیوست. طبق آمار وزارت بهداشت (۱۳۹۱) در پی وقوع این زمین لرزه‌ها در شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس، تعداد تلفات زن و

ساختند و فقط آن گروه از بی‌خانمانان عازم اردوگاه شدند که پیش از زلزله مستأجر بوده و ملکی از خود نداشتند.

در زلزله آذربایجان شرقی (۱۳۹۰) با این فرض که در صورت حذف اسکان موقت، مشارکت مردم افزایش و هزینه اسکان موقت کاهش می‌یابد، تصمیم بر آن شد که دوره اسکان موقت در چادرها و کانکس‌ها سپری شود. اگرچه این تصمیم مزایایی داشت لیکن در اثر سرمای شدید منطقه با مشکلات فراوانی همراه بود. همچنین کمبود جا در چادرها و کانکس‌ها، نبود امکانات مناسب برای انجام فعالیت‌های مربوط به مسکن روستایی چون تهیه لبنیات، پشم‌ریسی، قالی‌بافی و غیره از مشکلات دیگر بود.

سوالات تحقیق

۱. زنان خانه‌دار به‌عنوان نصف جمعیت ساکن منطقه هریس و درعین حال محروم، از پدیده یا مسئله زلزله به‌ویژه اسکان موقت ناشی از آن چه درک یا تجربه‌ای دارند؟
۲. آنان با وجود از دست دادن خانه و کاشانه خویش چگونه می‌توانند در مسکن موقت (داخل چادر و خارج از آن) به ایفای نقش‌های مورد انتظار بپردازند؟
۳. تجارب فردی و زیستی زنان روستایی، چگونه می‌تواند به امر برنامه‌ریزی و مدیریت‌های بعدی کمک نماید؟

مواد و روش

چوبانلار سردارلو از روستاهای زلزله‌زده بخش خواجه شهرستان هریس در استان آذربایجان شرقی می‌باشد (تصویر ۱). بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد خانوار در این روستا ۹۸ و جمعیت آن ۳۴۶ نفر می‌باشد. همچنین طبق آمار سال ۱۳۸۵ در حدود ۵۹٪ افراد این روستا سواد داشته که از این میزان سهم زنان ۴۰٪ بوده است. اکثر اهالی چوبانلار به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. قالی‌بافی نیز به‌عنوان یک حرفه اصلی به شیوه

در این پژوهش با توجه به هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان براساس نمونه‌گیری هدفمند از بین زنانی که زلزله را تجربه نمودند و با داشتن معیارهایی چون آسیب‌پذیری مستقیم از زلزله، توانایی فکر، توانمندی و حوصله برای مصاحبه انتخاب شدند. در این پژوهش ۱۶ زن با دامنه سنی ۷۰-۲۲ سال مشارکت داشتند. چهارده تن از شرکت‌کنندگان متأهل و دو تن مجرد بودند. هشت نفر بی‌سواد بوده، دو نفر پنجم ابتدایی، دو نفر سیکل و چهار نفر سواد در حد خواندن و نوشتن داشتند. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه بدون ساختار و عمیق استفاده شد. مصاحبه با یک سوال وسیع و کلی در مورد تجارب زندگی از بعد از زلزله شروع شد و سپس سوالات اکتشافی برای تشویق شرکت‌کنندگان و دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. مدت مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا زمان و مکان مصاحبه را به دلخواه خود تعیین کنند. مصاحبه‌ها تا دستیابی به داده‌های عمیق ادامه یافت. مطالعه مصاحبه‌ها منجر به ایجاد ۱۶ توصیف از مجموع مصاحبه‌ها گردید. پس از آن متن هر مصاحبه چندین بار خوانده شد و جملات یا عباراتی که به‌نظر می‌رسیدند مربوط به پدیده توصیف شده یا آشکارکننده آن هستند، انتخاب شدند. در مراحل بعدی با حذف موردهای مشابه و همپوشان در نهایت ۲ محور با ۱۳ مضمون حاصل شد. برای تضمین معتبر بودن، یافته‌های این مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آن‌ها نظرات خود را در مورد هماهنگی یافته‌ها با تجربیات خود به محققین ابراز نمودند. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت نمودند. به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست آمده صرفاً در جهت اهداف تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اختیار افرادی غیر از تیم پژوهش قرار نمی‌گیرد.

کودک در بیمارستان‌ها ۲۱۹ مورد (۸۱٪) و تعداد مردان فوت شده در بیمارستان‌ها ۴۹ مورد (۱۹٪) بودند. همچنین در اثر این زمین‌لرزه‌ها ۱۸ هزار و ۶۱۸ واحد مسکونی دچار آسیب شده که از این تعداد ۵ هزار و ۳۲۹ واحد به‌طور کامل تخریب شده است.

این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. یکی از کاربردهای مهم پدیدارشناسی پاسخ به این سوال است که اصل و جوهره وجود پدیده‌ای که به وسیله افراد تجربه می‌شود چیست و چه معنی دارد؟ در واقع این رویکرد به تسخیر تجارب زیست مشارکت‌کنندگان می‌پردازد. پدیدارشناسان معتقدند که تجربه، به‌دلیل آگاهی افراد از وجود (Existence)، معنادار و قابل تفسیر است. عبارت وجود در دنیا یا تجسم، مفهومی است که پیوند فیزیکی افراد به دنیایشان را تصدیق می‌کند آن‌ها از طریق تعامل بدنشان با دنیا فکر می‌کنند، می‌بینند، می‌شنوند، احساس می‌کنند و به آگاهی دست می‌یابند. در مطالعه پدیدارشناسی منبع اصلی داده‌ها، گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان به‌عنوان همکاران است. محقق به شرکت‌کننده کمک می‌کند تا تجربیات زنده اش را توصیف کند، بدون این که بحث را هدایت کند. محقق از طریق گفتگوهای عمیق تلاش می‌کند به دنیای شرکت‌کنندگان وارد شود تا به تجربیات زنده آن‌ها دسترسی کامل پیدا کند. معمولاً مطالعات پدیدارشناسی تعداد کمی از شرکت‌کنندگان را در بر می‌گیرد اغلب ده نفر یا کمتر. برای تعدادی از محققان پدیدارشناس، تحقیق نه تنها اطلاعات را از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند بلکه سعی می‌کند تا پدیده را به همان صورت از طریق مشاهده، مشارکت و تفکر درون‌نگر تجربه کند. روش پدیدارشناسی مخصوصاً هنگامی که پدیده مورد نظر بسیار کم شناخته و مفهوم پردازی شده، مفید است (دهقانی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

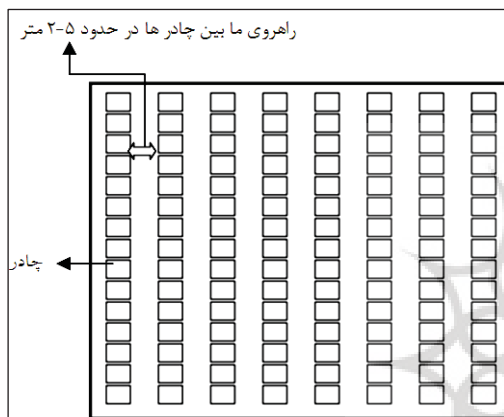
یافته‌ها

به‌طور کلی از دید زنان مشارکت‌کننده، اسکان موقت بعد از زلزله در دو سطح قابل بررسی است. این سطوح عبارتند از:

۱. خارج از چادر (عوامل محیطی)

چیدمان و قرارگیری چادرها: یک روز بعد از زلزله، چادرها زلزله‌زدگان در سمت شرق روستا احداث گردید. چادرها در یک فضای باز به دور از ساختمان‌هایی که احتمال تخریب آن‌ها بر اثر زلزله مجدد بود، برپا شد (تصویر ۳).

چادرها، به آن‌ها اجازه می‌داد در مواقع سخت به هم کمک کنند. از مدرسه هم به‌عنوان سرویس بهداشتی استفاده می‌شد. چادرها در تابستان مشکل سرمایش جدی نداشتند. مشکل گرمایش آن‌ها نیز در پاییز از طریق والور و بخاری برقی تأمین می‌شد. البته از روکش‌های نایلونی نیز بر روی چادرها استفاده شده بود تا علاوه بر اینکه از ورود باران به چادرها جلوگیری شود، عایقی در برابر سرما نیز باشند، البته صدایی که از این روکش‌ها به‌وجود می‌آمد باعث اذیت ساکنین چادر به‌خصوص در شب می‌شد (تصویر ۵).

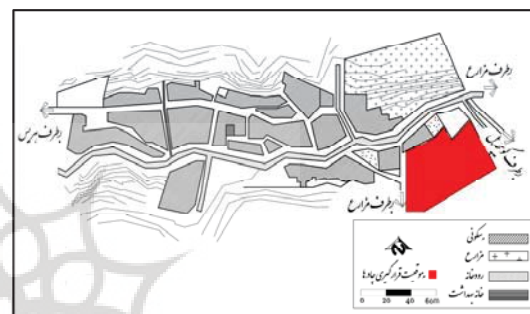


ت ۴. نحوه سامان‌دهی و چیدمان چادرها در روستای چوبانلار سردارلو.

روشنایی چادرها با برق موقت توسط اداره برق شهرداری هریس تأمین و امنیت چادرها نیز توسط نیروی انتظامی حفظ می‌شد.



ت ۵. روکش نایلونی روی چادرها برای جلوگیری از ورود باران.



ت ۳. قرارگیری چادرها در شرق روستای چوبانلار سردارلو.

تعداد چادرها متناسب با تعداد افراد خانواده‌ها بود. حتی چادرهایی برای برخی ادارات مرتبط در محل نصب شد. ۲۰-۳۰ چادر اضافی نیز به انباری اختصاص یافت. فاصله چادرها از جاده شرق و شمال شرقی حدود ۲۰ الی ۳۰ متر و راهروی ما بین چادرها در حدود ۲-۵ متر بود و برای اینکه از هر طرف چادرها رفت و آمدی نباشد، طرف دیگر چادرها به هم چسبانده و فاصله بین آن‌ها حذف شد (تصویر ۴).

چند روز بعد از برپایی چادرها توسط هلال احمر بعضی از افراد چادر را به محل قبلی خانه خود یا به جاهایی که امکانات برق، آب و سرویس بهداشتی مناسب بود و جای امنی به‌شمار می‌رفت، انتقال دادند. بعضی از خانواده‌ها نیز چادرهای خود را از کمپ جدا کرده و به‌صورت فامیلی به جاهای دیگر بردند. این اقدام علاوه بر افزایش امنیت

در شرایط کنونی اوضاعیمان خیلی آشفته است حال و حوصله دوشیدن شیر را نداریم آگه شیر هم بدوشیم برای تبدیل آن به لبنیات جا و مکان نداریم.

ترس و ناامنی جانی: از مشکلات دیگری که در اسکان موقت پیش روی زنان قرار دارد ناامنی ناشی از حیوانات وحشی و غارت اندک اموالی بود که از زلزله برجای مانده بود. به ویژه در شب‌هایی که مردها به نگهداری از دام‌ها رفته و زنان در چادرها می‌مانند، این مشکلات بیشتر هم می‌شد. یکی از زنان در این خصوص می‌گوید: از حیوانات و جانوران و گرگ‌ها در امان نیستیم برای ما که زن هستیم تحمل چنین شرایطی خیلی سخت است. شب‌ها وقتی می‌خواهیم حتی وقتی سرمای چادر را هم تحمل می‌کنیم فکر حیوانات و اینکه حمله کنند ناراحتان می‌کند. چون دام‌هایمان بدون هیچ محافظی هستند، شوهرانمان برای نگهداری از دام‌هایمان می‌روند و کشیک می‌کشند و ما مجبور می‌شویم بعضی از شب‌ها بدون مردها در چادر بمانیم.

کمبود امکانات بهداشتی: یکی دیگر از مشکلاتی که در اسکان موقت پیش روی زنان قرار داشت، نبود حمام به تعداد کافی و کمبود امکانات آن بود. در این روستا برای هر ۹ خانواده یک حمام در نزدیکی اردوگاه چادرها در نظر گرفته شده بود و بعد از اینکه مردم روستا مکان چادرهای خود را تغییر داده و کانکس‌هایی برای زلزله‌زدگان اختصاص داده شد، مشکل دوری حمام از محل اسکان، نیز بر مشکلات دیگر آن‌ها اضافه گردید. حمام‌ها در اسکان موقت به دو گونه بودند یک نوع از آن‌ها اتاقک کوچک بدون سقف بود که مردم یک پتو روی آن کشیده بودند که هیچ قفلی نداشتند (تصویر ۶). آب گرم حمام نیز از اجاقی که آتش زیر آن‌را از چوب درست می‌کردند و یا بوسیله کپسول‌های گازی تأمین می‌شد، تهیه می‌کردند. این حمام‌ها بدون هیچ امکانات

عرضه غذا: به گفته زنان روستایی نحوه خدمات‌رسانی برای غذا بدین شکل بود که در اوایل از سرند (روستای نزدیک چوبانلار) آورده و تقسیم می‌کردند و به ازاء هر خانواده هزار تومان می‌گرفتند ولی بعدها این نحوه توزیع قطع شد. چون در روزهای اول بعد از زلزله روستائیان خود نمی‌توانستند غذا بپزند لذا غذایشان را یا فامیل‌هایشان از تبریز و یا افراد دیگر از جاهای دیگر می‌آوردند. ولی بعد از گذشت چند هفته بعد از زلزله خود اقدام به پخت غذا نمودند.

نحوه جمع‌آوری و نگهداری دام‌ها: محلی برای دام‌ها در کنار چادرها در نظر گرفته و دور آن تور سیمی کشیدند. مردان به کمک زنان دام‌ها را نگهداری یا به صحرا برده و به صورت گروهی نگهداری می‌دادند. شب‌ها نیز دام‌های خود را جمع کرده و به صورت گروهی (۳ نفری) نگهداری می‌دادند. وظیفه دوشیدن شیر گاو نیز به‌طور کلی بر عهده زنان روستایی بود. معمولاً دو حالت نیز برای نگهداری شیر و تبدیل آن به لبنیات دیگر وجود داشت. کسانی که شیر گاو آن‌ها به حد کافی بود آن‌را برای مصرف خود به ماست، کره و پنیر تبدیل می‌کردند. اما کسانی که شیر گاو آن‌ها کافی نبود معمولاً ۲ الی ۳ نفری با یکدیگر شریک شده شیر را به نوبت مبادله می‌کردند. یکی از زنان روستایی چنین می‌گوید: قبل از طلوع خورشید از خواب بلند می‌شدم، ابتدا سماور را روشن کرده و تا جوش آمدن آب به سراغ دوشیدن شیر گاو می‌رفتم و تا خوردن ناشتا، رختخواب‌ها را جمع می‌کردم و سریعاً به سراغ مرغ‌ها رفته و با رها کردن آن‌ها در محیط آزاد و نیز هدایت دام‌ها به سمت چراگاه بلافاصله جهت جمع کردن سفره ناشتا می‌رفتم. تا هنگام غروب در تلاطم بودم. به هنگام غروب نیز با برگشت دام از چراگاه و دوشیدن شیر آن و نهایتاً تهیه شام و شستن ظرف‌های آن رختخواب‌ها را پهن کرده و می‌خوابیدیم.

برق و روشنایی بوده و با بسته شدن در حمام، داخل آن تاریک می‌گردید. افرادی که حمام می‌کردند مجبور بودند برای گرفتن آب چندین بار در حمام را باز کنند.

یکی از زنان چنین می‌گوید: در چنین شرایطی استفاده از این نوع حمام‌ها برای ما زنان غیر ممکن به نظر می‌رسد ولی به ناچار مجبور به استفاده از آنها بودیم. با توجه به اینکه افراد مریض و مجروح زیادی در این روستا زندگی نموده بنابراین استفاده مشترک از این حمام‌ها از لحاظ بهداشتی مشکلاتی را به وجود می‌آورد.



ت ۶. حمامی که در زمان اسکان موقت از آن استفاده می‌شد.

گرم کردن آب برای حمام هم برایم سخت است. زمانی که بخواهم دختر نابینایم را به تنهایی حمام ببرم، مشکلم بیشتر از پیش می‌شود. بقیه اهالی روستا در تبریز و جای دیگر فامیل دارند و برای حمام به آنجا می‌روند ولی ما که نداریم با دو تا بچه معلول خیلی عذاب می‌کشیم.

زن ۲۴ ساله به همراه مادر ۵۶ ساله‌اش می‌گویند: این دو سه ماهی که زلزله آمده کلاً سه بار حمام رفته‌ام آنقدر موهای سرم ریخته و می‌ریزد که لباس‌هایم پر از مو می‌شود. یک چهار گوشه اتاقکی داریم که به آن حمام می‌گوییم با سقفی باز که از همه جای آن باد می‌آید. یک نفر آب را گرم می‌کند و به داخل حمام می‌آورد. همین دیروز ۱۲ نفر در این محل، حمام کردند. هم مریض آنجا حمام می‌کند و هم سالم. از لحاظ روحی هم که باشد خیلی عذاب می‌کشیم. چون در روز رفت و آمد افراد روستا زیاد است و حمام در دید همه قرار دارد بنابراین کمتر به حمام می‌رویم شاید شاید ماهی یکبار هم به زور رفتیم. معذب می‌شویم در نگاه عموم مردان روستا به حمام برویم آن هم حمامی که دره‌ایش بدون قفل است و همه جایش درز دارد.

عدم دفع صحیح زباله‌ها: مشکل دیگری که در زمان اسکان موقت پیش روی روستائیان قرار داشت عدم دفع صحیح زباله‌ها و انباشته شدن آن‌ها در فضای بین چادرها و محیط داخل روستا بود که از این طریق وجود موش‌ها و حشرات، خطرات جدی برای سلامتی آنان محسوب می‌شد. زن ۳۴ ساله‌ای در این باره می‌گوید: زندگی در میان این همه زباله خیلی سخت، جای مناسبی برای تخلیه زباله‌هایی که ایجاد می‌شود، وجود ندارد و مردم به ناچار آن‌ها را در داخل روستا رها می‌کنند، حشرات زیادی را جذب می‌کنند و بوی خیلی بدی هم می‌دهند. احتمال اینکه از طریق این آلودگی‌ها مریض شویم هم زیاد

یک زن ۶۲ ساله با ۸ فرزند که دو نفر آنان دارای معلول ذهنی و جسمی است و در عین حال خود از درد یک دست و پا رنج می‌برد، می‌گفت: مشکل ما نسبت به افراد دیگر روستا با توجه به اینکه دو تا بچه ۳۲ ساله و ۲۶ ساله معلول داریم، زیاد است. دو تا بچه معلول ذهنی و جسمی که حتی نمی‌توانند به تنهایی دستشویی بروند و خودم مجبور می‌شوم آن‌ها را ببرم، خیلی سخت می‌گذرد. دستشویی و حمام دورتر از اسکان چادرهاست، مجبورم برای دستشویی و حمام آن‌ها را آنجا ببرم در حالی که اگر یک دستشویی کنار چادر داشتم مشکلم تا حدودی حل می‌شد. برای حمام کردن آب گرم نداریم،

نشستن در چادرهای پر از رطوبت برایم فلج کننده است. یک زن پنجاه ساله اضافه می کند که شیر آب از چادر ما خیلی دور است. ما که ظرف های غذا و لباس هایمان را در آنجا می شویم وسایل زیادی هم که نداریم جمع کنیم و روزی یکبار، همه آنها را یکجا بشویم، مجبوریم بعد از خوردن حتی یک استکان چایی آنها را بشویم. دور بودن شیر آب از چادرها و مهم تر از آن سردی هوا و سرد بودن آب مشکل را چند برابر کرده است.

مشکلات ناشی از زندگی جمعی و گروهی: در اکثر مناطق روستایی مردم تمایل دارند تا در کنار اقوام و خویشان نزدیک خود زندگی را بگذرانند (تصویر ۷). این امر گرچه مزایایی چون یاری رساندن به هم در مواقع نیاز و احساس امنیت بیشتر خانوارها را به همراه داشت ولی در کنار آن مشکلاتی نیز مانند تحمل افراد دیگر چادرها به همراه داشت.



ت ۷. چیدمان چادرها برحسب رابطه خویشاوندی.

زنی بیست و چهار ساله به همراه مادر پنجاه و شش ساله اش می گویند: چه زندگی قشنگی در خانه هایمان داشتیم ولی الان چه، الان وقتی حرف می زنیم همسایه ات می شنود. وقتی کسی سرفه می کند من بیدار می شوم، این که نشد زندگی. باور کنید چند روزی است که یکی از همسایگانمان مریض است تا صبح نتوانستیم از صدای سرفه هایم بخوابیم. چون چادرها به هم نزدیک است حتی وقتی حرف می زنیم همسایه بغلی ات می شنود، آسایش و راحتی اصلاً نداریم.

هست. مشکل دیگر روستائیان عدم سرپوشیده کردن چاه فاضلاب سرویس های بهداشتی بود که در مواقع گرم روز، مشکلات بهداشتی زیادی به بار می آورد.

کمبود فضاهای مذهبی: یکی دیگر از فضاهای جانبی که زنان به آن نیاز دارند و وجود آن باعث آرامش خاطر زنان روستایی می شود فضاهایی مثل مسجد، حسینیه و غیره می باشد. یکی از مشارکت کنندگان در این مورد می گوید: فضاهای مکمل مثل مسجد و غسلی وجود ندارد.

دولت بهتر است برای مسجد و فضاهای جانبی دیگر ما اقدام کند. ساختن فضاهایی مثل مسجد حتی به صورت موقت خیلی به ما کمک می کند تا آرامشی که در زلزله از دست داده ایم را به ما برگرداند. الان که مکانی برای راز و نیاز و گفتگوی ما زنان روستا وجود ندارد، مسجد جای بسیار مناسبی برای جمع شدن اهالی روستا و رسیدگی به مشکلات یکدیگر و محلی برای عبادت آنان می تواند باشد.

کمبود امکانات آبرسانی: شیوه آبرسانی در زمان اسکان موقت به این شکل بود که برای تعداد مشخصی از چادرها، در فاصله قابل توجه یک شیر عمومی آب تعبیه کرده بودند. در نظر گرفتن یک شیر آب برای چندین چادر و همچنین دور بودن آن مشکلاتی برای زنان به وجود می آورد. چرا که زنان روستا تمام کارهای شست و شوی خود مثل شستن ظروف و لباس را در این محل انجام می دادند و با توجه به سردی هوا و بوران منطقه و دور بودن شیر آب از محل چادرها و همچنین در معرض دید بودن آن مشکلات زیادی را برای زنان روستا به وجود می آورد.

زن سالمند ۷۰ ساله می گوید: برای چند گروه از چادرها یک شیر آب اختصاص داده اند. من که پیر زن هفتاد ساله ام شستشو با آب سرد برایم خیلی سخت است.

۲. داخل چادر (عوامل محاطی)

مشکل گرمایش چادرها: یکی از معایب اسکان در چادرها، سرمای طاقت فرسای آن در فصل پاییز و زمستان است. پس از زلزله به توزیع برخی از اقلام مورد نیاز آسیب دیدگان از جمله بخاری برقی و والور توسط دولت اقدام گردید. این اقلام تا حدودی می توانست چادرها را گرم کند ولی مشکلاتی را هم در پی داشت، از جمله آن ها احتمال آتش گرفتن چادرها بود، اتفاقی که در بیشتر روستاهای زلزله زده منطقه افتاده بود. مردم خیلی با احتیاط بخاری های خود را روشن می کردند و در برخی اوقات آن ها را خاموش کرده و در سرما می ماندند و گاهی اوقات جلوی چادرهای خود آتش روشن می کردند. از طرف دیگر تهیه نفت برای والورها نیز سخت بود. مشکل سرمای داخل چادرها بیشتر از مردان برای زنان وجود داشت چرا که آنان بیشتر از مردان در چادرها بوده و بیشتر کارهای چادر برعهده آنان می باشد.

یک زن هفتاد ساله با ۶ بچه می گوید: در چادر خیلی سردمان می شود، باد به نایلون هایی که روی چادرها کشیده اند می خورد و خیلی صدا می دهد. یادم هست آن روزهای اول هم با دوتا پتو و لحاف هم نمی توانستیم بخوابیم. شب ها از سوز سرما برای اینکه نوهام سردشان نشود، در آغوششان می گرفتم تا کمی گرم شوند و بتوانند طاقت بیاورند. والور روشن می کنیم ولی برای تهیه نفتش دچار مشکل می شویم. هر کسی که لازم داشته باشد مجبور می شود از روستای چای کنده نفت بگیرد. امسال شب ها در آذربایجان اغلب باران باریده، موقع باریدن باران هم خیلی اذیت می شویم، با هر قطره بارانی که روی چادر می افتد و صدا می دهد، قطره اشک از چشمان من نیز جاری می شود، فکر روزهای قبل می افتم که زندگی قشنگی داشتیم و الان در کجاییم. ما روستایی ها علاقه زیادی به خانه و مال و حیواناتمان داریم چون

اونارو به سختی به دست آورده ایم، از خوراک و پوشاکمان زده بودیم تا خانه داشته باشیم. تحمل همچنین لحظه هایی برایمان خیلی سخت است، علی الخصوص برای ما زنها که بیشتر عمرمان و لحظه لحظه های زندگیمان را در خانه هایمان بسر می بردیم. الان برای گرم کردن چادرهایمان مشکل داریم در حالی که قبل از این مصیبت برای زمستان خود و بچه هایم سبزی خشک می کردم، در قسمتی از خانه سفره های سبزی را پهن می کردم و منتظر می ماندم تا خشک شود. چون نمی توانم در کارهای دامداری و کشاورزی کمک کنم بیشتر خودم را مشغول کارهای خانه می کنم. از اضافات میوه هایی که از باغهایمان می آوریم مریا درست کرده و از تفاله های آن برای بچه های روستا لواشک درست می کردم، در حالی که الان آواره مانده ایم.

نبود تهویه و آلودگی داخل چادر: به دلیل تعداد و سطح کم پنجره ها امکان تهویه هوا و نور مناسب در داخل چادر وجود نداشت. برای اینکه هوا تا حدی تهویه شود مجبور به باز گذاشتن پنجره ها و در می شدند که به لحاظ فرهنگی و امنیتی و همچنین به لحاظ نوع آب و هوای سرد منطقه ایجاد مشکل می کرد. در ورودی نامناسب بود، در نتیجه حریم خصوصی حفظ نمی شد. چادرها فضایی برای نگاهداری وسایل نداشته و کل لوازم زندگی به صورتی کاملاً در هم ریخته در داخل چادر مشاهده می شد. به علت نداشتن کف مناسب و همسطح بودن کف چادر با سطح بیرون آن، آلودگی و آب و خاک موجود در اطراف چادر به داخل آورده می شد. جای مناسبی برای گذاشتن و نگهداری کفش ها وجود نداشت و در رفت و آمد به چادر، باعث آلودگی داخل چادر می شد.

یک زن سی و هشت ساله با ۴ فرزند می گوید: زندگی در چادر با این همه مشکلات خیلی سخت است. به دلیل وجود نم و رطوبت و همچنین کمبود نظافت افراد از

موقع‌ها مشغول درست کردن ماست از شیر حیواناتمان می‌شدیم مریبا درست می‌کردیم، قالی‌بافی می‌کردیم و زندگی خوبی داشتیم. صبح‌ها که از خواب بلند می‌شدیم به امید کار و زندگی بلند می‌شدیم ولی الان هر دوی این امیدها از ما گرفته شده است.

یک زن شصت و شش ساله می‌گوید: زندگی در چادر خیلی سخت است مخصوصاً شب‌ها. مسئولان خودشان یکبار ۵ نفری در یک چادر بخوابند، ببینند می‌شود؟ علی‌الخصوص من که نوه کوچک هم دارم، مشکل بیشتری دارم. موقع خوابیدن، نوهام به این طرف و آن طرف می‌رود و وول می‌خورد و اذیت می‌کند. زندگی با افراد بزرگ‌تر در یک چادر به روحیه دختر خانم‌ها تأثیر منفی گذاشته است. روحیه‌مان خیلی فرق کرده تا جایی که بعضی وقت‌ها آرزوی مرگ می‌کنیم. قبل از زلزله با دخترهایم جمع می‌شدیم و به نوبت در خانه هرکدام قالی‌بافی می‌کردیم و با فروش آن برای خود و خانه‌مان وسایل می‌خریدیم. ولی وقتی زلزله آمد همه سرمایه‌مان زیر آن ماند بعد از آن هم نتوانستیم دوباره قالی‌بافی کنیم. چطور می‌توانیم فرش ببافیم وقتی که داخل چادر برای خودمان و وسایل ضروری زندگی‌مان جا نداریم. ما زنان روستایی از بچگی کار کرده‌ایم و بدون کار نمی‌توانیم زندگی بکنیم الان هم که در چادریم خیلی برایمان سخت می‌گذرد.

آشپزی و مشکلات آن در داخل چادر: از جمله فعالیت‌هایی که برای ادامه زندگی روزمره لازم و ضروری می‌باشد پخت غذا توسط ما زنان روستایی است. این فعالیت‌ها بعد از زلزله نیز در چادرها و کانکس‌ها ادامه دارد. شکل پخت غذا قبل از زلزله در خانه‌های ما به صورتی بود که اجاق، یخچال و سینک ظرفشویی را طوری در آشپزخانه قرار می‌دادیم که رابطه خوبی بین این‌ها برقرار بود و با کم‌ترین اتلاف وقت و انرژی و

داخل چادرها بوی بدی می‌آید. وقتی می‌خواهیم پنجره و در چادرها را باز کنیم تا هوا عوض شود نه تنها تهویه صورت نمی‌گیرد، سردمان هم می‌شود، ضمناً داخل چادر دیده می‌شود و از این جهت راحت نمی‌شویم. بیشتر بچه‌هایمان پای برهنه از چادر بیرون می‌روند و می‌آیند، کف چادر هم که با بیرون همسطح است داخل چادر آلوده می‌شود. چادرهایمان کف مناسبی ندارد و رطوبت و آب را به داخل می‌دهند. فرش و پتو می‌اندازیم ولی از آن نفوذ می‌کند هیچ اثری ندارد.

کمبود جا در چادر و تعداد زیاد افراد: بعد خانوار بالا در یک چادر معمولاً مشکلاتی را به دنبال می‌آورد. از جمله این مشکلات کمبود جا برای خوابیدن و یکجا بودن همه اهالی خانه در شب بود. همچنین کمبود فضا در داخل چادر باعث شده زنان روستایی مثل قبل نتوانند به فعالیت‌های خود بپردازند. اکثر زنان این روستا قالی می‌بافند و بیشتر خرج زندگی خود را از این راه به دست می‌آورند. مادران و دختران برای تهیه جهیزیه مجبور به کارکردن در خانه و بافتن فرش می‌شدند که علاوه بر تأمین هزینه زندگی، باعث مشغولیت و بالا رفتن اعتماد و عزت نفس آنان می‌شد ولی به دلیل کمبود جا و نبود سرمایه اولیه تهیه قالی، بعد از زلزله و در اسکان موقت این اعتماد به نفس از آنان گرفته می‌شد.

یک زن چهل و هفت ساله با ۷ فرزند می‌گوید: شب‌ها پنج نفری در چادر می‌خوابیم. خیلی خیلی سرد می‌شود. بخاری برقی کوچکی داریم که روشن می‌کنیم ولی از ترس اینکه سیم‌ها داغ شوند و چادر آتش نگیرد هشیار می‌خوابیم. شاید باورتان نشود در چادر برای خوابیدن من جا نمی‌ماند و مجبور می‌شوم ته چادر، جلوی باد و سرمایی که از سوراخ‌های چادر می‌آید، بخوابم. از سرما و تنگی جا تا صبح نمی‌توانم بخوابم. ما که تعدادمان زیاد است، از کمبود جا رنج می‌بریم. ما سال قبل در همین

نتیجه

کشور ایران همواره مستعد وقوع زلزله و انواع دیگر از بلایای طبیعی است. این در حالی است که طی دهه‌های گذشته آمار تلفات جانی و مالی ناشی از زلزله و حجم تخریب زیاد شده است؛ خصوصاً در مناطق روستایی که استحکامات مسکن آن‌ها نیز پایین‌تر است، شاهد خرابی‌های بیش از حد معمول نیز می‌باشیم. بنابراین پس از چنین حوادثی، تأمین سکونتگاه‌های اضطراری و موقت برای تأمین امنیت و آرامش آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این سرپناه فراتر از محل زندگی بوده و تنها شامل یک اتاقک ساده نمی‌باشد. باید دانست که مردم پس از سانحه، بی‌خانمان می‌شوند و نه بی‌ساختمان. در همین جاست که نقش مسکن موقت پررنگ شده و آرامش، امنیت، اطمینان خاطر و بازتوانی روانی و روحی از آن انتظار می‌رود.

این مطالعه به تبیین دیدگاه زنان روستایی پیرامون اسکان موقت و مشکلات آن پرداخته و منجر به استخراج موردهایی در دو سطح خارج از چادرها و داخل چادرها گردید. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که زنان روستایی در عرصه خارج از چادرها با مسائل و مشکلاتی چون نحوه عرضه غذا، نحوه جمع‌آوری و نگهداری دام‌ها، ناامن بودن چادرها از خطرات حیوانات وحشی، کمبود امکانات بهداشتی مثل حمام و دستشویی مناسب، عدم تخلیه زباله‌ها، عدم سرپوشیده کردن چاه‌های فاضلاب، نبود فضاهای مکمل مثل مسجد، کمبود امکانات آبرسانی از جمله نبود شیر آب به تعداد کافی و دور بودن آن از محل چادرها، نزدیک بودن چادرها به هم که آرامش و آسایش را از طریق انتقال صدا از چادر به چادر دیگر گرفته بود، مواجه بودند. این در حالی بود که مشکلات داخل چادرها کمتر از مشکلات خارج از آن‌ها نبود. مشکل گرمایش چادرها که

راحتی و آسایش بیشتری داشته‌ایم. بعد از زلزله یخچال را در گوشه‌ای از کانکس قرار داده و تمام وسایل زندگی و مورد نیاز برای آشپزی را هم کنار آن قرار دادیم (تصویر ۸). گاز پیک نیک و یا والور برای پخت غذا را هم در کنار یخچال به طرف در کانکس گذاشته و غذا می‌پزیم و بدین ترتیب ارتباطی که بین وسایل آشپزخانه وجود داشت، از بین می‌رود. با این وجود هم به دلیل اینکه فضای کانکس‌ها کوچک بوده و با روشن شدن گازهای پیک‌نیک گاز مونوکسیدکربن در فضا پخش می‌شود بنابراین مجبور به پخت غذا در خارج از کانکس‌ها می‌شویم. در چادر مشکل بیشتر از کانکس بوده و احتمال آتش گرفتن چادر به کمبود فضا و پرشدن آن از طریق گاز ناشی از سوخت اضافه می‌شود. باتوجه به اینکه در فضای چادر نیز جایی برای گذاشتن یخچال نیست، آن‌را بیرون گذاشته و بنابراین چرخش لازم از بین می‌رود. در نهایت برای پخت غذا و آشپزی مجبور می‌شویم وسایل آن‌را از یک جا جمع کرده، در جای دیگر بپزیم و در جای دیگر ظرف‌های آن‌را بشویم این کارها وقت زیادی از ما می‌گیرد و خسته می‌کند.



ت ۸. یخچال در گوشه‌ای از کانکس قرار داشته و وسایل مورد نیاز آشپزی در کنار آن گذاشته‌اند.

داشته باشند. حداقل یک عدد کانتینر یا ظرف زباله بزرگ باید برای هر گروه جمعیتی مهیا شود که در خارج از قطعه زمین مرکز اجتماعات استقرار یابد. بهتر است که چاه‌های مستراح با اندوذهای سیمانی پوشیده شوند. افزایش تعداد شیرهای آب حداقل یک عدد برای هر چند واحد چادر، قرار دادن بشکه‌های آب در نزدیکی چادرها، ارائه امکانات بیشتر وسایل و کپسول‌های گازی به مردم، ارائه ماشین‌های رختشویی، احداث مسجد به صورت موقت تا زمان ساخت نهایی آن از جمله راه حل‌های دیگری است که می‌توان بوسیله آن از شدت مشکلات کم کرد.

علاوه بر پیشنهاد‌های حل مشکلات خارج از چادر، باید با تدابیری اقدام به حل مشکلات داخل چادر کرد از جمله اینکه برای حفظ بهداشت و آسایش چادر می‌توان فضای آن را به دو قسمت فضای زندگی و قسمت انباری تقسیم کرد. یعنی قسمتی را برای امور معمول زندگی مثل صرف غذا، استراحت، خواب و قسمت دیگری را برای نگهداری وسایل پخت‌وپز و شستشو اختصاص داد و پرده‌ای ما بین دو فضا تعبیه نمود. برای حل مشکل تهویه و خارج شدن گاز مونوکسیدکربن از داخل می‌توان یک هواکش در بدنه کانکس‌ها تعبیه نمود. همچنین می‌توان تعدادی پنجره در قسمت بالای چادرها روبروی هم ایجاد کرد و برای جلوگیری از اتلاف انرژی از روکش‌هایی استفاده کرد. برای حل مشکل گرمایش چادرها می‌توان استفاده از سیستم‌های گرمایشی که بتوان بدون روشن کردن آتش آن را گرم کرد، توصیه نمود. یکی از راه‌حل‌هایی که برای حل مشکل کمبود جا در چادر می‌توان ارائه نمود ارائه چادر متناسب با بعد خانوار می‌باشد و یا در صورت نبود چادرهای مختلف، به خانواده‌هایی با بعد خانوار زیاد چندین چادر ارائه شود تا از یک چادر هم به‌عنوان انباری و هم محل زندگی

به هیچ وجهی قادر به گرم کردن آن نمی‌شدند و بعضی از شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماندند و با روشن کردن آتش در بیرون از چادرها خود را گرم می‌کردند، نبود تهویه و بدنال آن آلودگی داخل چادرها که به علت وجود نم و رطوبت بوجود می‌آمد، تعداد افراد زیاد در یک چادر که به سختی می‌توانستند همگی در آن جا شوند و مشکلات آشپزی و نبود حداقل امکانات از جمله آن‌ها بودند.

با توجه به مسائل و مشکلات موجود برخی از راه حل‌های پیشنهادی به ترتیب از کل به جزء (از خارج به داخل چادرها) به شرح زیر طرح می‌گردند: همچنان که اشاره شد نامنی چادرها شرایط سخت و مشکلاتی را بوجود می‌آورد که می‌توان با تدابیری مثل حصارکشی و دیوارچینی کوتاه گرداگرد محوطه چادرها علاوه بر اینکه از ورود حیوانات به محل جلوگیری نمود، امنیت را نیز بالا برد و از شدت مشکلات کاست. اینگونه حصارکشی‌ها همچنین یک حریم خصوصی برای چادرها ایجاد کرده و باعث می‌شود افراد با آرامش بیشتری در چادرهای خود مانده و از سرما و گرما در امان بمانند. با توجه به صحبت‌های افراد روستایی در خصوص مشکلات حمام، اگر حمام‌های پیش‌ساخته بیشتری با مصالح مناسب به صورت جداگانه به مردان و زنان داده شود و حمام‌های زنانه را نیز در جاهای خارج از دیدرس عموم قرار دهند تا حدودی از مشکلات آن‌ها در این زمینه خواهد کاست. برنامه‌های پیشگیرانه برای حل معضل زباله‌ها و سایر فضولات باید در نظر گرفت حتی اگر حمل زباله با در نظر گرفتن اصول بهداشتی انجام شود، باز هم موش‌ها و حشرات عوامل بیماری‌زا هستند. برنامه‌هایی برای ریشه کن کردن پشه‌های ناقل بیماری و جلوگیری از زاد و ولد موش‌ها باید در نظر گرفت. ظروف زباله باید دارای در بوده و در محل ثابت باشند. همچنین سطل‌های زباله قابل حمل دسته‌دار نیز وجود

استفاده نکرده و جا برای انجام فعالیت‌های روزمره داشته باشند.

تردیدی نیست که نتایج این مطالعه می‌تواند در راستای بهبود برنامه‌های مربوط به اسکان موقت به کار گرفته شود. اطلاعات به‌دست آمده می‌تواند دستمایه پژوهش‌های دیگر در این زمینه قرار گیرد تا افق‌های دیگری در مورد این پدیده گشوده شود.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب سپاس خود را از افراد شرکت‌کننده در این مطالعه به‌خاطر صبر، حوصله و همچنین اعتمادشان به محققین ابراز می‌دارند.

فهرست منابع

- خدابنده‌لو، زهره؛ طاهری، مژگان. (۱۳۸۴)، ارزیابی تطبیقی شیوه‌های بازسازی مسکن در ایران و چند کشور سانه‌خیز، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

- خداداده، یاسمن؛ مینو، ضیایی. (۱۳۸۷)، بررسی اشکالات چادرهای موجود برای اسکان موقت بازماندگان زلزله در ایران و ارائه طرح پیشنهادی چادر فتری نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۳، صص ۵۷-۶۸.

- دهقان نیری؛ ناهید، اسدی نوقابی، احمدعلی. (۱۳۷۹)، اصول تحقیق، روش‌ها، ارزیابی و کاربرد، تهران: انتشارات اندیشه رفیع.

- شادی‌طلب ژاله. (۱۳۷۹)، مدیریت زنان، مجموعه مقالات کنگره زنان، دانشگاه و فردای بهتر. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، معاونت فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، صص ۵۱-۶۵.

- فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۶)، معماری سکونتگاه‌های موقت پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- گلابچی، محمود؛ مجتبی، طیبات. (۱۳۸۶)، علل عدم پایداری ساختمان‌های مسکونی روستایی در برابر زلزله و ارائه الگوی ساخت براساس امکانات و توانایی‌های محلی مطالعه موردی: روستاهای زرنند کرمان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۰، صص ۳۱-۴۲.

- لاتینا، کورادو. (۱۳۶۹)، استفاده طولانی از مسکن موقت پیش ساخته در زلزله‌های ایتالیا، ترجمه زهرا اهری، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

- لباف خانیکی، مجید. (۱۳۸۰)، ارتباط اقتصادی زنان روستایی با نظام تولید سنتی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد ۲، وزارت جهاد سازندگی، تهران.

- معماری، علی محمد؛ نیره، خندان. (۱۳۷۲)، بررسی اندرکنش دینامیکی عناصر تیر آهن و طاق‌های آجری در سقف‌های طاق ضربی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران ۶۰-۵۳.

- ناطق الهی، فریبرز. (۱۳۷۷)، روش‌های ساخت، تعمیر و تقویت ساختمان‌های سنگی مقاوم در برابر زلزله، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، صص ۶۵-۶۷.

- Johnson Cassidy. (2007), Impacts of prefabricated temporary housing after disaster: 1999 earthquakes In Turkey Habitat International 3136-52.